

کمیته اقدام کارگری



بسوی اتحاد عمل کارگری

دیوار زخیم بوروکراسی

پس از سپری شدن دوره ای از تحولات در جنبش کارگری، اینک وقت آن رسیده تا با جمع‌بندی هرچند مختصر از آن و پیدا کردن بهترین راه کارها برای تداوم آن، به ضعف‌ها و نقاط قوت بپردازیم، به ارزیابی از توان‌ها و نیازها، به امکان رشد خلاقیت‌ها و از همه مهمتر به عبور از سکتاریزم و به موازات آن عبور از بوروکراسی تا بتوانیم نقشی تاثیرگذار و انقلابی در عمق جنبش کارگری داشته باشیم.

اول ماه مه امسال توانست به نقطه عطفی در جنبش کارگری تبدیل شود. تلاش‌های کمی فعالین کارگری در طی سالها پیش تا اول ماه امسال توانست به بار بنشیند و تا حدودی قابل توجه اعتماد به نفس را به جنبش کارگری بازگرداند.

واکنش و وحشت رژیم سرمایه اولین علامتی بود که نشان از کسب اعتماد به نفس در جنبش کارگری داشت. رژیم سرمایه با هرچه مفلوکر شدنش و احساس خطر سقوطش، همزمان دریچه‌های باز شده برای انتقال نوع حکومت سرمایه از دیکتاتوری عیان و لجام‌گسیخته به نوع لیبرالی آن را کاملاً مسدود نمیکند و در موارد زیادی خود گشاینده این نوع دریچه‌ها است. تا جایی پاسدار حراست از چنین دریچه‌هایی است که تقصیر شکست اصلاحات را در ظاهر به گردن خویش میگیرد تا کمکی کرده باشد برای نجات کل اصلاحات. ختم اصلاحات را در بی‌لیافتی خاتمی خلاصه میکند تا شاید توانسته باشد کمکی به باز نگاه داشتن دریچه خود اصلاحات کرده باشد. از اینرو است که شرایط بر آفراشتن انواع پرچم‌های بورژوازی، اعم از جمهوری خواه و غیره و انواع روش‌های انتقال بی‌خطر، اعم از رفراندوم و غیره را با تمام توان خویش باز نگاه میدارد. برای حکومت سرمایه باز گشایی هر دریچه‌ای به هدف نجات کل دولت سرمایه به امری حیاتی تبدیل شده است.

اما همزمان حکومت سرمایه در تلاش است؛ و یا به عبارت دیگر همه تلاش باقی مانده اش را برای سرکوب جنبش کارگری به کار میگیرد. این حکومت همه توانش را به کار میگیرد تا مبادا دریچه‌های برای رشد و ارتقاء جنبش کارگری باز شود. وحشت از کسب اعتماد به نفس کارگران همواره عاملی بوده است تا این حکومت به سرکوب و حشیانه کارگران بپردازد.

در چهارم بهمن سال پیش در مقابل اعتراض کارگران خاتون آباد دست به نوع سرکوبی زد که مشابه آن را احتمالاً در آینده در مقابل انقلاب کارگری از خود نشان میدهد. زلزله بم و رشد اعتراضات مردمی و فاصله کوتاه آن با اعتراضات کارگران خاتون آباد، رژیم سرمایه را وادار کرد تا با آرایشی نظامی که مخصوص سرکوب انقلاب کارگران است به مقابله با کارگران خاتون آباد برود.

مراسم اول ماه مه امسال، همزمان و در چندین شهر، رژیم سرمایه را از کوره به در کرد و در سقر ابتدا دست به دستگیری کارگران زد تا بعد از آن به دنبال پیدا کردن اتهاماتی باشد برای مجازات کارگرانی که فقط خواسته بودند روز جهانی خود را گرامی بدارند. حمایت پرشکوه خانواده‌های کارگران و زحمتکشانشان سقر از کارگران دستگیر شده عاملی بود که وحشت پاسداران سرمایه را بیشتر کرده و همزمان عاملی اساسی برای افزایش اعتماد به نفس کارگران در رویاروییشان با ژاندارم‌های سرمایه.

حکومت سرمایه از یکسو با گشایش انواع دریچه‌های مخملی و لیبرالیستی و گشایش دروازه اش برای اتصال به "تمدن و مدنیت" سرمایه جهانی، تلاش میکند تا ژست استعداد "ذوب شدن ولایت فقیه اش" در

سرمایه جهانی را بگیرد و از سوی دیگر برای اثبات همین ادعا، جنبش اجتماعی کارگران و امکان رشد آن را در ابتدا هر حرکتی سرکوب و وحشیانه میکند.

حکومت سرمایه تمام امکات خود را اعم از تشکلات خود ساخته ای نظیر خانه کارگر و شورا های اسلامی کار و... را با کمک سازمان جهانی کار به جلو انداخته است تا شاید بتواند از رشد جنبش کارگری و رادیکالسم این جنبش جلوگیری کند. نمایندگان تشکلات دولتی با کمک سازمان جهانی کار، با بیان تکه پاره شده برخی از مطالبات کارگران تلاش میکنند در سطح رهبری کننده جنبش کارگری و اعتراضات کارگری قرار بگیرند. و متأسفانه در غیاب تشکلات مستقل کارگری و با وجود پراکندگی از حد تصور خارج صفوف مبارزات کارگری، باید به تدریج شاهد آن باشیم که تلاش های آنها به ثمر بنشینند و توده های وسیعی از کارگران را از فرط استیصال و پراکندگی به درون تشکلات دست پخت سازمان جهانی کار هدایت کنند. اکنون از یکسو جنبش طبقه کارگر به آن درجه از رشد رسیده است که خطر مبارزات و انفجار ناشی از فشار های روزمره طیف وسیعی از بورژوازی را برای مقابله با آن بیشتر از قبل متحد میکند و از سوی دیگر ناتوانایی های رژیم سرمایه نسبت به دوره های پیش در واکنش به این جنبش، امکانات بیشتری برای بلوک سرمایه فراهم میکند تا شاید با زبان و ابزار جدید که عمدتاً دفاع از "دمکراسی و حقوق بشر" است به مقابله با جنبش طبقه کارگر با توانی تازه برخیزد.

در چنین وضعیتی متأسفانه جنبش کارگری عیلرغم رشد روز افزون خود هنوز نتوانسته به تشکلی قوی و رهبری کننده کل جنبش دست پیدا کند. تلاش های فراوانی در این جهت صورت میگیرد اما عوامل بورکراتیک و سکتاریزم این تلاش ها را خنثی و بی نتیجه میکند. یک اعتصاب کارگری نظیر اعتصاب نساجی سندانج میتواند به کل جنبش کارگری نیرویی تازه و اعتماد به نفس دهد اما متأسفانه حمایت از آن به دلیل پراکندگی فعالین این جنبش به شکل پراکنده و بعضاً تصاحب کننده است و این خود عامل اصلی سد کننده ورود اعتماد به نفس در عمق این جنبش میشود.

در چنین شرایطی که هنوز تشکیلاتی کارگری احیا نشده تا بتواند مبارزات کارگری را انسجام داده و این مبارزات را با سمت و سوی ضد سرمایه داری به کل جنبش گسترش دهد، تنها چاره موجود اتحاد عمل وسیع کارگری میباشد. اتحاد عمل کارگری علاوه بر همه دستاورد هایی که میتواند در بر داشته باشد، امکان و شرایط احیاء تشکلات مورد نیاز کارگری را نیز فراهم میکند.

پیشروان و فعالین کارگری در ایران با اقدام عملی در جهت اتحاد وسیع کارگری میتوانند همزمان شرایط اتحاد عمل فعالین کارگری در خارج برای حمایت منسجم و یکپارچه از مبارزات کارگری را نیز فراهم کنند. چنین اقدامی همزمان امکان و الگوی گسست از سکتاریزم و بورکراسی را نیز فراهم میکند. این اتحاد عمل قادر است احزاب و سازمان های مدعی فعالیت در حوزه جنبش کارگری در خارج از کشور را از بلای سانسورستی نجات داده برای آنها افق مبارزاتی معین ترسیم کند.

در شرایطی که جنبش کارگری از کمترین امکانات برای انعکاس اعتراضات و همه گیر کردن آن بی بهره است، متأسفانه شاهد آن هستیم که همین مقدار امکانات موجود نیز عمدتاً به بیان منافع سکتاریستی که رابطه ای با منافع کل جنبش ندارد اختصاص میابد.

گروه هایی که اینک باید به نام از آنها یاد کرد نظیر «اتحاد سوسیالیستی کارگری»، و سایت وابسته به آن «خانه کارگر آزاد» و «حزب کمونیست ایران» مایل نیستند از امکانات خود در جهت انعکاس مواردی بپردازند که منافع گروهی خودشان را کم رنگ میکند. فراموش نکنیم که سال پیش فعالین کارگری فراخوان ۵ دقیقه اعتصاب دادند و عده زیادی از گروه های سکت نه تنها از آن حمایت نکردند بلکه حتی نخواستند آن را با امکانات خود منعکس کنند. گروه هایی که بعدها بدون نقد روشن به این گذشته، به یکباره آنچنان ناشیانه و نا پخته خود را پرچم دار گرامیداشت یاد کارگران قربانی در فاجعه خاتون آباد میکنند بدون آنکه بفهمند با گذشت یکسال از این فاجعه و با بیان و تکرار همان مواردی که در سال گذشته بود در همان سطح سال گذشته باقی میمانند. آنها فقط برای ابراز وجود تلاش میکنند و نه مطلقاً تلاشی در جهت رشد و ارتقاء آنچه که قبلاً نیز وجود داشته است.

کدام موضوع در سالی که پشت سر می گذاریم میتواند به محوری ترین موضوع مبارزه در جنبش کارگری تبدیل شود غیر از موضوع دستگیری های فعالین کارگری سقز. رژیم سرمایه با این دستگیری ها

واکنش سریع برای جلوگیری از کسب اعتماد به نفس کارگران داشت. در واکنش به آن، هر گروهی جداگانه به جلب حمایت های بین المللی پرداخت بدون هیچگونه اتحاد عملی و فعالیت تکراری و عدم تمرکز در جهت کسب حمایت های جهانی. اما تا همین مقدار نیز به وسیله رقابت های گروهی تبدیل گشت و خود هدف حمایت از دستگیر شدگان به موضوع فرعی تبدیل شد.

«کمیته اقدام کارگری» با هماهنگی «شبکه همبستگی کارگری» دست به یک سلسله اقداماتی زد و منتظر حمایت سایر گروهها بود که متأسفانه کمترین حمایت ها از طرف عده زیادی از گروه های موجود را دریافت نکرد. تعداد زیادی از گروه های سیاسی شب قبل از آغاز محاکمات به دور هم گرد آمده و شب همبستگی برگزار کردند. و اما در روز همبستگی، وقتی که همزمان در کشور هایی از سه قاره جهان بیش از ۷۰۰ نفر در یک روز، متحدین بین المللی جنبش کارگری ایران در مقابل سفارتخانه های رژیم سرمایه و هر کدام با جمع آوری هزاران امضاء کارگران در جهان، به اعتراض این محاکمات برخاستند، این دوستان ظاهراً به دلیل بی خوابی ناشی از شب زنده داری شب گذشته در خواب بودند، و حتی یکی از دهها تظاهرات اعتراضی را در سایتهای و نشریات خود منعکس نکردند. تنها عده تظاهرات فعالین چپ در یکی از شهر های پاکستان به مراتب بیش از آن عده ای بودند که این گروهها در مجموع در شب همبستگی توانسته بودند همبسته کنند.

از کراچی تا مکزیکو سیتی، از لاهور تا میلان و... عده زیادی از متحدین جنبش کارگری ایران با در دست داشتن عکس ها و اسامی فعالین تحت محاکمه خواهان رفع اتهام و آزادی بی قید و شرط آنها شده بودند. اما باز متأسفانه و بدبختانه عده زیادی از همین گروه ها حاضر نشدند این اعتراضات را حتی به عنوان خبر منعکس کنند. چنان تیغ سانسور مخوفی را بر انعکاس این اخبار حاکم کردند که هر حداقلی برای یک اتحاد عمل وسیع در خارج را به نامیدی کامل مبدل کردند. این نوع سانسور و حذف گرایي در مورد تظاهرات در حمایت از کارگران ایران را فقط در نشریات و سایت های رژیم جمهوری اسلامی می توانست یافته شود. این همه تنگ نظری خرده بورژوازیانه، حتی به قیمت بی پشتوانه کردن جنبش کارگری در ایران، با این همه ادعای فعالیت در حوزه جنبش کارگری هیچ تناسب و سنخیتی ندارد.

آنچه مسلم است تا زمانی که سانسور و حذف گرایي توسط این نیروها و افراد به اصطلاح مدافع کارگران از میان نرود؛ امکان کار مشترک و ایجاد یک اتحاد گسترده در خارج نخواهد بود. در واقع گسست از فرقه گرایي و سانسورگرایي (که از عوارض یک نظام سرمایه داری عقب افتاده است) تنها پیش شرط اتحاد فرا گیر خواهد بود. در درون ایران همین انحرافات و بیماری موجود است. جوانان پیشتاز انقلابی می باید با افراد و گرایش هایی که برای حفظ جاه و مقام خود در درون جنبش کارگری دست به حذف گرایي می زنند مقابله کنند.

یک بار دیگر وقایع یک سال گذشته نشان داده که مبارزه با نظام سرمایه داری جدا از مبارزه با نظریات انحرافی طرفداران جنبش کارگری (که آنها تحت نفوذ عقاید بورژوازی و نداشتن آگاهی کافی است)، عملی نمی باشد.

فعالین کارگری در ایران با ایجاد اتحاد عمل وسیع کارگری میتوانند همزمان الگوی اتحاد عمل برای فعالین کارگری در خارج را ترسیم کنند.

پیش به سوی رسیدن به چنین اتحادی.

کمیته اقدام کارگری
pishroo@fastmail.fm
۵ بهمن ۱۳۸۳